

بررسی علل تکرار سرقت در میان سارقان سابقه دار استان تهران

مرتضی نجفی علمی
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

چکیده

سرقت یکی از با سابقه‌ترین جرایم شهری است که در جوامع مختلف به شیوه‌های گوناگون دیده می‌شود. این پدیده در طول زمان دستخوش دگرگونی و تغییرات زیادی شده و از جمله جرایمی است که مجرمان بسیاری به خاطر ارتکاب آن مجازات شده‌اند. این جرم آثار تخریبی زیادی بر احساس ناامنی و در نهایت امنیت کشور دارد. آنچه ضرورت این مسئله را حساس‌تر و با اهمیت‌تر می‌کند، آن است که سارقان پس از تحمل مجازات و بازگشت به جامعه، دوباره مرتکب جرم سرقت می‌شوند. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که اکثر سرقت‌های بزرگ و پیچیده توسط سارقان سابقه دار و حرفه‌ای انجام می‌شود که در موارد بسیاری ردیابی و دستگیری آنها تنها از طریق پلیس‌های تخصصی و کارآمد امکان‌پذیر خواهد بود.

پژوهش حاضر درصدد بررسی آن دسته از عوامل و زمینه‌های فردی، اجتماعی و سازمانی است که موجب می‌شود سارقان پس از تحمل مجازات در زندان دوباره به جرم سرقت روی آورند.

کلیدواژه:

سرقت/theft/جرم /crime/ مجرم /criminal/ کجروی اجتماعی
social deviation/اعتیاد drug abuse / خلافکار offender

◀ سرقت از عمده‌ترین جرایمی است که مجرمان بسیاری به خاطر آن مجازات شده و موجب پایین آمدن ضریب امنیت اجتماعی در جامعه می‌گردد. از طرفی یکی از نیازهای مبرم هر جامعه، حفظ امنیت عمومی و فراگیر توسط نیروهای انتظامی می‌باشد که این کار در گرو برخورد قاطع و قانونی با سارقان است. ولی آنچه ضرورت این مسئله را حساس‌تر و با اهمیت‌تر می‌نماید، آن است که سارقان پس از تحمل مجازات و بازگشت به متن جامعه، دوباره به جرم سرقت دست می‌زنند. بررسی‌ها و گزارش‌های به عمل آمده در این باره نشان می‌دهد که اکثر سرقت‌های بزرگ و پیچیده توسط سارقان حرفه‌ای انجام می‌شود، که در موارد بسیاری ردیابی و دستگیری آنها تنها از طریق نیروهای پلیس ماهر و متخصص امکان‌پذیر خواهد بود. بر همین اساس آنچه در سطوح بالا قید شده به خودی خود نشان از ضرورت مسئله تحقیق دارد. در این پژوهش بیش از همه به دنبال تبیین عوامل مؤثر بر تکرار سرقت در بین سارقان سابقه دار در استان تهران می‌باشیم تا به راهکار عمومی برای بررسی شناخت این معضل در جامعه مبدل گردد.

اهداف تحقیق

ارتکاب جرم نه تنها عاملی برای برهم خوردن نظم و ثبات جامعه است، بلکه به عنوان مانعی جهت رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه تلقی می‌شود. به همین منظور دولت‌ها برای برقرار کردن نظم و انضباط، هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند. به طور کلی انگیزه محقق در این تحقیق، بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر تکرار جرم سرقت در بین سارقان سابقه دار می‌باشد. اهداف تحقیق مزبور عبارتند از:

- ۱- نقش ویژگی‌های فردی و شخصیتی افراد در تکرار سرقت؛
- ۲- نقش عوامل محیطی، اجتماعی و خانوادگی در تکرار سرقت؛
- ۳- نقش مجازات در تکرار سرقت؛
- ۴- نقش و میزان تاثیر خریداران (مالخران) اموال مسروقه در تکرار سرقت؛
- ۵- نقش و تاثیر جرایم مرتبط در تکرار سرقت؛
- ۶- نقش سیستم بازدارنده سارقان در زمینه تکرار سرقت.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در عصر حاضر، رفتارهای نابهنجار، آسیب‌های اجتماعی، عدم گرایش به جامعه‌پذیری و در نهایت قانون شکنی، روندی افزایشی داشته است و نهادهای اساسی و اجتماعی جوامع را دچار بی ثباتی، عدم تعادل و نابسامانی کرده است. از این رو، شناخت انگیزه‌ها و علل این کجروی، ضروری است. افزایش ضریب امنیت جامعه در گرو کاربرد راهبردهای مؤثر می‌باشد. این تحقیق ضمن توجه به پدیدارهای علی، در پی آن است تا با شناخت هنجارهای عام جامعه به مکانیسم‌های مقابله با سرقت و تکرار آن به عنوان کجروی و به ویژه به اقدامات پیشگیرانه کاربردی نگریسته و در این راستا، زمینه‌های بروز رفتار مجرمانه را مورد بررسی قرار دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق براساس ماهیت آن، شیوه گردآوری اطلاعات و نیز روش تجزیه و تحلیل آنها با هم فرق می‌کند. در این تحقیق برای نیل به اهداف تحقیق حاضر از روش پیمایشی^۱ استفاده شده است.

۱- جامعه آماری :

جامعه آماری این پژوهش، کلیه سارقان سابقه دار مرد در زندان‌های استان تهران (اوین، قصر و رجایی شهر کرج) می‌باشد.

۲- حجم نمونه:

از فرمول نمونه‌گیری ([p,q]) برای به دست آوردن تعداد حجم نمونه استفاده شده است. آمار زندان‌های استان تهران در زمان تحقیق، ۶۰۰۰ نفر سارق سابقه دار بوده است. حجم نمونه، ۲۶۵ نفر محاسبه شده که تعداد ۲۵ مورد از آنها به علت نقص اطلاعات حذف گردیده است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت طبقه‌ای از نوع نسبی و سهمیه‌ای می‌باشد.

در تحقیقات پیمایشی ابزارهای متفاوتی وجود دارد تا بتوان داده‌های لازم را از نمونه مورد مطالعه به دست آورد. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، «پرسشنامه» است در این پرسشنامه دو دسته سؤال وجود دارد که یک سری به بررسی موضوع سرقت و دیگری در زمینه سنجش عواملی است که موجبات سرقت دوباره را فراهم آورده‌اند. همچنین سؤال‌های دیگری وجود دارد که ویژگی‌های شخصیتی و زمینه‌ای سارقان را بررسی می‌کند.

۴- تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها:

عملیات تجزیه و تحلیل آماری به دو صورت توصیف آماری و تحلیل داده‌ها صورت گرفته است که در تحلیل داده‌ها از طریق آزمون‌های آماری مختلف از قبیل χ^2 ، فی (phi)، γ کرامر^۱ به بررسی رابطه‌های مورد نظر پرداخته شده است. در واقع با این اقدام به سؤال‌های اساسی تحقیق پاسخ علمی داده و فرضیه‌های تدوین شده تأیید یا رد می‌شوند.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین زمینه‌ها و ویژگی‌های فردی پاسخگویان با تکرار سرقت رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۲- بین وضعیت محیط خانوادگی و زندگی (اجتماعی) پاسخگویان با تکرار سرقت رابطه معنی دارد وجود دارد.
- ۳- بین وضعیت محیط زندان و نظارت‌های بعدی بر پاسخگویان با تکرار سرقت رابطه معنی داری وجود دارد.

چارچوب نظری تحقیق

نظریه‌های مرتبط با تبیین کجروی، فراوان و مختلف است. در این راستا نیز

دریافتیم که هریک از رویکردها، ابعاد مختلفی از مسائل و عوامل کجروی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. خواه این ابعاد در سطوح مختلف خرد و کلان باشد، خواه به رویکرد زیستی، روانی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بپردازد. توجه به این تبیین‌ها و اهمیت آنها در این پژوهش، با عنایت به مسئله سرقت و تکرار آن، ما را به سوی رویکردی تلفیقی در بررسی موضوع هدایت می‌کند تا با نگاهی جامع‌گرایانه به تبیین علل سرقت بپردازیم. گرچه باید توجه داشت که سابقه چنین تبیینی به سه نظریه چند عاملی، الگوهای صفات نهفته و الگوهای روند حیات بر می‌گردد. از این رو، برای تدوین یک رویکرد تبیینی در این باره از سه متغیر مهم بهره می‌گیریم:

۱- متغیرهای محیطی :

نکته حایز اهمیت در این باره این است که محیط‌های بزه و دارای فرصت خلافکاری، می‌توانند انگیزه و مشوق‌هایی در جهت امکان انجام کجروی در افراد به شمار آیند. به طوری که وجود فرصت‌ها و وسوسه‌های کجروی در محیط‌های مختلف بزه، به یکی از متغیرهای اساسی در این باره تبدیل می‌شود.

از مؤلفه‌های محیط‌های اجتماعی بزه در ایجاد فرصت برای کجروی، جایگاه پایین اجتماعی و اقتصادی اعضای خانواده بزهکار، اعتیاد به موادمخدر، گسیختگی خانوادگی، محیط سرشار از بزه و افراد خلافکار، بی‌توجهی والدین به فرزندان، عدم استحکام در بنیاد خانواده و... را می‌توان نام برد.

۲- نشانه‌های بزه در دوران رشد :

اکثر نظریه پردازان از متغیر محیطی به عنوان عوامل زمینه‌ای و پیشینه‌ای بزهکاری یاد می‌کنند. ولی در فرایند دوران رشد، نقش اجتماعی محیط زندگی در روی آوردن افراد به کجروی آشکار می‌شود. به طوری که مؤلفه‌هایی چون: شکست تحصیلی و ترک تحصیل افراد، شکست شغلی و بیکار ماندن، همنشینی با دوستان و همسالان کجرو، استفاده از رسانه‌ها و فیلم‌های نامناسب و... موجب می‌شوند که شخصیت فرد به صورت فرد کجرو شکل بگیرد و در نتیجه مجال ارتکاب بزه فراهم می‌گردد.

۳- متغیرهای نگهدارنده :

در دو متغیر مذکور تشریح شد که فرد با توجه به عوامل مختلف و در صورت فراهم بودن عوامل مذکور به تدریج به کجروی روی می آورد. ولی متغیرهای نگهدارنده افراد از کجروی و نیز گروهی از فرصت‌های ایجاد شده از طریق عوامل نگهدارنده در جامعه، تأثیر بسزایی در کاهش کجروی دارد. به طوری که می‌توان در زمینه محیط زندگی عنوان نمود که عوامل و نیروهای انتظامی می‌توانند محیط سرشار از کجروی را تا حدودی از بین ببرند. همچنین اعمال مجازات‌های مختلف و دور نگه داشتن بزهکاران از محیط‌های نامناسب و دوستان بزهکار، تأثیر پذیری از دیگران را کاهش می‌دهد. بنابراین هرچه کنترل اجتماعی به ویژه از کانال رسمی و قانونی بیشتر باشد، می‌توان به کاهش و جلوگیری از تکرار جرم امید بیشتری داشت.

آزمون فرضیه‌ها و تحلیل آنها

در این بخش درصد بررسی فرضیه‌های تدوین شده از طریق آزمون‌های آماری مناسب می‌باشیم.

۱- رابطه زمینه‌ها و ویژگی‌های فردی با تکرار سرقت:

فرضیه اول: بین ویژگی‌ها و زمینه‌های فردی پاسخگویان (وضعیت شغلی، اعتیاد داشتن، تأثیر اعتیاد بر سرقت، محل تولد، محل سکونت، فرهنگ نماز، گروه‌های سنی، سن شروع سرقت، تمایل به سرقت در کودکی و ترک تحصیل) با تکرار سرقت رابطه معنی دار وجود دارد.

برای بررسی فرضیه فوق در سطح کلان ضروری است به مطالعه روابط مختلف در این باره بپردازیم تا با در نظر گرفتن هر یک از عوامل و ویژگی‌های فردی سارقان سابقه دار بتوان میزان تأثیر آنها را مورد کنکاش قرار داد. روابط مورد نظر به شرح زیر است:

الف- رابطه وضعیت شغلی فرد با تکرار سرقت: انجام عملیات آزمون‌های آماری مناسب درباره رابطه دو متغیر وضعیت شغلی با تکرار سرقت رابطه معناداری را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با توجه به گزینه «چهار بار و بیشتر» تکرار سرقت توسط پاسخگویان، که اکثر افراد را شامل می‌شود، آمار سارقان با وضعیت شغلی بیکار و راننده به ترتیب ۲۸/۱ و ۴۲/۲ درصد می‌باشد و در مقابل این نسبت در مشاغل مغازه داری و

کارمندی برابر با $27/6$ و $14/3$ درصد است که اختلاف معناداری را نشان می‌دهد. به طوری که می‌توان بیان داشت سارقان سابقه داری که راننده ویا بیکار می‌باشند، نسبت به مشاغل کارمندی و نیز مغازه داری، بیشتر مرتکب تکرار سرقت می‌شوند. این وضعیت نشان می‌دهد که بی‌ثباتی و زمینه‌های نامساعد شغلی باعث ایجاد گرایش به جرم در پاسخگویان می‌شود.

ب- رابطه داشتن اعتیاد با تکرار سرقت پاسخگویان: انجام آزمون آماری خی دو (X^2) و فی در زمینه رابطه فوق، مؤید، وجود رابطه فوق می‌باشد. ($S=0/02$) کسانی که در گزینه‌های «سومین» و «چهار بار و بیشتر» را در مورد تکرار سرقت بیان نموده‌اند و اعتیاد داشته‌اند، به ترتیب برابر $17/3$ و $40/6$ درصد می‌باشند. در مقابل آن کسانی که اعتیاد نداشته‌اند و گزینه‌های مزبور را انتخاب کرده‌اند، به ترتیب با $12/5$ و 25 درصد هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که داشتن اعتیاد در بین پاسخگویان از جمله عواملی است که در تکرار سرقت از سوی آنها تأثیر مستقیم دارد.

ج- رابطه تأثیر اعتیاد بر سرقت و تکرار سرقت: برای تأیید رابطه فوق (تأثیر اعتیاد بر سرقت و تکرار آن) این موضوع در قالب سه گزینه «هیچ»، «یکی از عوامل» و «علت اصلی» از پاسخگویان سؤال شد. بررسی به عمل آمده حاکی از آن است که نسبت پاسخگویان در گزینه «چهار بار و بیشتر» به ترتیب $24/4$ ، $42/6$ و $51/1$ درصد و در گزینه «اولین بار» به ترتیب $18/5$ ، $17/8$ درصد از افراد می‌باشد. پس می‌توان اظهار داشت آن دسته از پاسخگویانی که بیشتر مرتکب تکرار سرقت شده‌اند، تأثیر اعتیاد بر سرقت را به عنوان علت اصلی ذکر نموده‌اند و در مقابل آن کسانی که برای اولین بار اقدام به سرقت نموده و دستگیر شده‌اند، کمتر به تأثیر اعتیاد اعتقاد دارند. ($S=0/03$)

د- رابطه محل تولد با تکرار سرقت: با توجه به وضعیت شهری و روستایی بودن پاسخگویان مورد مطالعه، انجام آزمون آماری مناسب رابطه معناداری را در این زمینه نشان نمی‌دهد. ($S=0/8$) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در بین افراد مختلفی که به جرم سرقت دستگیر شده‌اند، شهری یا روستایی بودن هیچ تأثیری ندارد. گرچه می‌توان اظهار داشت در حدود 35 درصد از کسانی که «چهار بار و بیشتر» سرقت داشته‌اند، متولد شهر و در مقابل $14/3$ درصد متولد روستا می‌باشند.

ه- رابطه محل سکونت با تکرار سرقت: انجام آزمون خی دو (X^2) رابطه معنی داری را بین

محل سکونت پاسخگویان با انجام سرقت‌های مختلف از سوی آنها نشان نمی‌دهد.

($S = ۰/۹$) البته بر مبنای آمارهای به دست آمده ۴۰ درصد از کسانی که تکرار سرقت بیشتری داشته‌اند در روستا و ۳۴/۳ درصد آنها در شهر ساکن بوده‌اند.

و- رابطه گروه‌های سنی با تکرار سرقت: اطلاعات حاصل از آزمون خی دو و فی درباره دو متغیر سن و تکرار سرقت، رابطه معناداری را نشان می‌دهد. به طوری که در زمینه میزان سرقت در شاخص «چهار بار و بیشتر» که اکثر پاسخگویان را شامل می‌شود، حدود ۵۹ درصد پاسخگویان ۲۵ ساله و حدود ۱۷ درصد ۳۰ تا ۳۴ ساله هستند که به ترتیب بیشترین و کمترین افراد سارق را با گروه‌های سنی متفاوت نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان ادعان داشت که سن اکثر سارقان سابقه دار ۲۵ سال به بالا بوده و در مقابل وجود سارقانی با سنینی در حدود ۲۰ تا ۳۴ سال کمتر از سایر گروه‌های سنی می‌باشد.

($X^2 = ۲۷$, $S = ۰/۰۱۱$)

ز- سن شروع سرقت با تکرار سرقت: یافته‌های به دست آمده در زمینه فرضیه فوق، رابطه معناداری را نشان می‌دهد. از طرفی سطح معناداری حاصله در حد قابل قبولی می‌باشد ($S = ۰/۰۱۱$, $فی = ۰/۴۱$) و منجر به این نتیجه می‌گردد که در بین افرادی که شامل گزینه «چهار بار و بیشتر» می‌شوند به تدریج که به سن شروع به سرقت افراد افزوده می‌شود، زیر ۱۰ سالگی «۵۲/۹ درصد»، ۱۱ تا ۱۵ سالگی «۴۹/۱ درصد»، ۱۶ تا ۲۰ سالگی «۳۸/۳ درصد»، ۲۱ تا ۲۵ سالگی «۲۶/۳ درصد»، ۲۶ تا ۳۰ سالگی «۱۵ درصد»، ۳۱ تا ۳۵ سالگی «۱۸/۲ درصد» و ۳۶ سالگی و بالاتر «۱۶/۷ درصد»، از سرقت و تکرار آن کاسته می‌شود؛ به عبارتی می‌توان اظهار داشت بیشتر سارقان سابقه دار در واقع از دوران کودکی دست بدین کار زده‌اند و از طرفی خود این سن شروع موجب شده تا افراد بتوانند دفعات بیشتری را سرقت نمایند و نیز محکومیت بیشتری را طی کنند.

ح- رابطه میل به سرقت در کودکی با تکرار سرقت: رابطه میل به سرقت در کودکی با تکرار سرقت از سوی آنها از طریق آزمون‌های آماری معنادار شده است. به طوری که کسانی که در کودکی میل به سرقت داشته‌اند، برای «اولین بار» ۱۵ درصد برای «چهارمین بار و بیشتر» ۲۷/۶ درصد سرقت داشته‌اند. این نسبت در مقابل ۳۱/۶ و ۳۰/۳ درصد هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین تمایل به سرقت در کودکی با میزان تکرار سرقت رابطه وجود دارد. ($S = ۰/۰۴$) این یافته با توجه به تأثیر سن پایین شروع سرقت، مؤید تأثیر بسیار

مهم دوران کودکی بر تکرار سرقت سارقان سابقه دار می‌باشد.

ط- رابطه ترک تحصیل با تکرار سرقت: بررسی به عمل آمده در زمینه ترک تحصیل و تکرار سرقت نشان می‌دهد کسانی که ترک تحصیل داشته‌اند، نسبت به کسانی که به تحصیلات خود ادامه داده‌اند، بیشتر مرتکب تکرار سرقت شده‌اند. البته تأیید این یافته در سطح اطمینان ۹۰ درصد و قابل قبول می‌باشد. ($S=0/06$)

۲- رابطه زمینه‌های محیط خانوادگی و زندگی با تکرار سرقت

فرضیه دوم: بین وضعیت محیط خانوادگی (اختلاف خانوادگی، سرقت از منزل، سن جدایی از خانه، فرار از خانه، گسیختگی خانوادگی و وضعیت شغلی پدر و مادر) و زندگی (محیط زندگی، ارتباط با خلافکاران، وجود خلافکاران به جز سارق، تأثیر محل زندگی بر سرقت و تأثیر مالخرها) پاسخگویان با تکرار سرقت رابطه معناداری وجود دارد.

الف- رابطه اختلاف خانوادگی با تکرار سرقت: انجام عملیات آزمون آماری در زمینه فرضیه فوق رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. بنابراین این اختلاف خانوادگی افراد سابقه‌دار در تکرار سرقت تأثیری ندارد. گرچه توصیف آماری موجود در این باره نشان می‌دهد افرادی که همیشه در خانواده آنها والدین با هم ناسازگاری داشته‌اند. (۲۲/۹ درصد) نسبت به کسانی که گاهی اختلاف داشته (۳۲/۱ درصد) و یا اصلاً اختلاف (۳۱ درصد) نداشته‌اند، سرقت بیشتری مرتکب شده‌اند. ($S=0/53$)

ب- رابطه سرقت از منزل با تکرار سرقت: اطلاعات به دست آمده از این سؤال که آیا از منزل خود سرقت نموده‌اید یا نه؟ با وضعیت تکرار سرقت پاسخگویان رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. ($S=0/32$) گرچه اختلافی در حدود ۳/۹ درصد (۳۷/۹ در مقابل ۳۴ درصد) به صورت اندک مشهود است.

ج- رابطه سن جدایی از خانه با تکرار سرقت: بررسی رابطه سن جدایی از خانه (قبل از ۱۵ سالگی، ۱۶ تا ۲۰ سالگی و بالای ۲۰ سالگی) در بین پاسخگویان با تکرار سرقت در سطح قابل قبولی معنادار نشده است. ($S=0/23$) به طوری که در این باره نمی‌توان قضاوت نمود که جدایی سارقان از خانه در سنین پایین در میزان سرقت آنها مؤثر بوده است یا خیر.

د- رابطه فرار از خانه با تکرار سرقت: یافته‌های به دست آمده در زمینه رابطه فرار پاسخگویان از خانه با متغیر تکرار سرقت، معنادار شده است. ($S=0/01$) این نکته مؤید این

است که پاسخگویی که بیان داشته‌اند زمانی از منزل فرار نموده‌اند، به نسبت کسانی که فرار ننموده‌اند، بیشتر به انجام سرقت مبادرت نموده‌اند. به طوری که میزان سرقت به ترتیب عبارت است از: ۲۲/۲ درصد و در مقابل ۳۱/۴ درصد برای «اولین بار»، ۱۵/۶ درصد و در مقابل ۲۷/۶ درصد برای «دومین بار»، ۲۲/۲ درصد و در مقابل ۹/۵ درصد «سومین بار» ۴۰ درصد و در مقابل ۳۱/۴ درصد برای «چهارمین بار و بیشتر».

ه- رابطه گسیختگی خانوادگی با تکرار سرقت: بررسی رابطه وضعیت طلاق همسر توسط پاسخگویان به عنوان شاخص گسیختگی خانوادگی با متغیر تکرار سرقت، نشان می‌دهد، افرادی که دچار این گسیختگی بوده‌اند به نسبت، سرقت بیشتری انجام داده‌اند (۵۲/۸ درصد و در مقابل ۲۶/۳ درصد در شاخص چهار بار و بیشتر و نیز ۱۸/۹ درصد و در مقابل ۳۰/۳ درصد در شاخص اولین بار سرقت) و در مقابل پاسخگویی که بیان داشته‌اند که همسرشان را طلاق نداده‌اند کمتر مبادرت به جرم سرقت نموده‌اند. این یافته در واقع تأثیر وضعیت خانوادگی نامناسب را در گرایش به انجام جرم، بیشتر نشان می‌دهد. ($S=0/02$)

و- رابطه وضعیت شغلی پدر با تکرار سرقت: انجام آزمون آماری در زمینه رابطه وضعیت شغلی پدر با میزان تکرار سرقت پاسخگویان، رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. ($S=0/21$) بدین معنا که وضعیت شغلی پدران افراد (شاغل، بیکار و از کار افتاده) در گرایش به انجام سرقت آنها مؤثر نمی‌باشد.

ز- رابطه وضعیت شغلی مادر با تکرار سرقت: بررسی رابطه وضعیت شغلی مادر (شاغل و یا خانه دار) با تکرار سرقت فرزندان آنها رابطه معناداری را در سطح قابل قبولی نشان نمی‌دهد. ($S=0/25$) بنابراین فرضیه مورد نظر رد می‌گردد.

ح- رابطه محیط زندگی با تکرار سرقت: بررسی رابطه وضعیت محیط زندگی پاسخگویان از حیث وجود خلافکاران با تکرار سرقت آنها، در سطح معنادار و مناسبی به تأیید رسیده است. ($S=0/01$) به عبارت دیگر، سارقانی که اظهار نموده‌اند محیط زندگی آنها بد بوده و امکان خلاف در آن وجود داشته است بیشتر از کسانی که محیط زندگی خود را خوب توصیف نموده‌اند، مرتکب تکرار سرقت شده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر چه محیط زندگی افراد زمینه خلاف و جرم بیشتری را داشته باشد، امکان جرم زایی و گرایش به جرم در آن محیط افزایش می‌یابد.

ط- رابطه ارتباط با خلافکاران با تکرار سرقت: در جهت تأیید نتایج فوق وضعیت میزان ارتباط سارقان را با خلافکاران جویا شده و به بررسی رابطه این وضعیت با تکرار سرقت پرداختیم. یافته‌های به دست آمده در این باره مؤید این نکته است، پاسخگویانی که با خلافکاران رابطه داشته‌اند عمدتاً جرم سرقت را بیشتر از کسانی که بدین رابطه اذعان نداشته‌اند، انجام داده‌اند. (۱۷ درصد و در مقابل ۲۵/۹ درصد برای اولین بار و ۴۵/۳ درصد و در مقابل ۲۵/۲ درصد برای چهار بار و بیشتر) ($S=0/000$)

ی- رابطه وجود خلافکاران غیر سارق با تکرار سرقت: با عنایت به تأثیر خلافکاران مختلف در گرایش به سرقت، اظهارات پاسخگویان در این باره نشان از رد این فرضیه دارد؛ ($S=0/11$) بدین معنا که ارتباط سارقان با خلافکاران غیر سارق، با تکرار سرقت آن رابطه‌ای ندارد.

ک- رابطه تأثیر محل زندگی بر سرقت و تکرار سرقت: اطلاعات نشان می‌دهد که رابطه دو متغیر فوق، معنادار می‌باشد، ($S=0/01$) بدین معنا که در شاخص «چهار بار و بیشتر» و نیز «اولین بار» سرقت نمودن در گزینه علت اصلی ۴۴ درصد و در مقابل ۱۴ درصد افراد، در گزینه یکی از عوامل ۴۰/۳ درصد و در مقابل ۲۴/۷ درصد و در گزینه «خیر» ۲۷ درصد و در مقابل ۳۷/۲ درصد از افراد وجود دارد. بنابراین با توجه به گرایش‌ها و اظهارات سارقان می‌توان نتیجه گرفت از نظر افراد سارق سابقه دار، محیط زندگی تأثیر بسیاری بر گرایش آنها به انجام سرقت و تکرار آن دارد.

ل- رابطه تأثیر مالخرها با تکرار سرقت: اطلاعات به دست آمده در زمینه بررسی رابطه تأثیر خریداران اموال مسروقه بر افزایش سرقت توسط سارقان رابطه معناداری را نشان می‌دهد. ($S=0/007$) به عبارتی تأثیر مالخرها بر تکرار سرقت از سوی کسانی که سرقت بیشتری را انجام داده‌اند در مقایسه با کسانی که برای «اولین بار» دست به سرقت زده‌اند، در حد بسیار بالا گزارش شده است.

۳- رابطه تأثیر محیط زندان و نظارت با تکرار سرقت

فرضیه سوم: بین وضعیت محیط زندان و نظارت‌های بعدی (تأثیر محیط زندان، اثرهای عدم جداسازی، تأثیر مجازات بر سرقت، ارزیابی از حکم صادره، مشکلات مالی، برخورد خانواده، سرکشی مأموران و نحوه سرقت) بر پاسخگویان با تکرار سرقت رابطه معناداری

الف- رابطه تأثیر زندان بر تکرار سرقت: انجام عملیات آزمون آماری برای موضوع فوق، رابطه معناداری را نشان داده است، بدین معنا که میزان سرقت از سوی افرادی که بیان داشته‌اند زندان آنها را در امر سرقت مجرم‌تر و متخصص‌تر می‌کند، بیشتر بوده است. به طوری که در شاخص «چهار بار و بیشتر» کسانی که بیان داشته‌اند زندان آنها را اصلاح نموده ۱۲/۱ درصد می‌باشند، در مقابل افرادی که عنوان نموده‌اند متخصص‌تر شده‌اند، ۴۶/۸ درصد و کسانی که اعتقاد داشتند در اثر زندان مجرم‌تر شده‌اند، ۴۵/۹ درصد تکرار سرقت داشته‌اند. بنابراین می‌توان گفت هر چند در برخی از مواقع زندان به عنوان عاملی برای نگه داشتن افراد از جرم و بزهکاری به شمار می‌رود، ولیکن عمدتاً در ارتباط با سایر موارد کارکرد اصلاح و بازپروری افراد را از دست می‌دهد و موجب گرایش به جرم بیشتر از سوی آنها می‌شود.

ب- رابطه اثر عدم جداسازی بر تکرار سرقت: بررسی ارتباط متغیر آثار منفی عدم جداسازی با تکرار سرقت، رابطه معناداری را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که ۴۲ درصد از پاسخگویانی که «چهار بار و بیشتر» مرتکب سرقت شده‌اند، اظهار داشتند که $(S=0/02)$ جداسازی موجب انتقال تجربه می‌شود در مقابل کسانی که به تأثیر عبرت آموزی اذعان داشته‌اند، ۱۳/۸ درصد می‌باشند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت سارقانی که به تأثیرات منفی جداسازی زندانیان اشاره داشته‌اند، عمدتاً کسانی هستند که بیشتر به جرم سرقت پرداخته‌اند.

ج- رابطه تأثیر مجازات بر اصلاح با تکرار سرقت: بررسی وضعیت و تأثیر مجازات بر اصلاح و تادیب در بین سارقان مختلف نشان دهنده این است، افرادی که به این گونه تأثیرگذاری مجازات اشاره داشته‌اند، عمدتاً کمتر به سرقت پرداخته‌اند و در مقابل کسانی که چندان به تأثیر مجازات بر اصلاح توجهی نداشته‌اند، تکرار سرقت بیشتری داشته‌اند. $(S=0/004)$

د- تأثیر مجازات بر سرقت با تکرار سرقت: اطلاعات حاصل از بررسی رابطه دو متغیر فوق، حاکی از آن است، کسانی که عنوان نموده‌اند مجازات افراد موجب کاهش سرقت می‌شود، عمدتاً سرقت بیشتری انجام داده‌اند و در مقابل کسانی که بیان داشته‌اند مجازات بر افزایش سرقت مؤثر بوده، کسانی هستند که تکرار سرقت کمتری در گزینه‌های «چهار

بار و بیشتر» (۶۴/۳ درصد و در مقابل ۳۸/۸ درصد) و «اولین بار» (۱۶ درصد و در مقابل صفر درصد) دارند. البته این اختلاف منجر به رابطه معناداری نشده است. ($S=0/16$)

ه- رابطه ارزیابی از حکم صادره با تکرار سرقت: یافته‌های به دست آمده در زمینه نگرش پاسخگویان در زمینه حکم صادره برای آنها با میزان سرقت از سوی آنها، رابطه معناداری را در سطح مطلوبی نشان نمی‌دهد. ($S=0/76$) گرچه اختلافات اندکی در این باره مشاهده می‌شود، ولی نمی‌توان عنوان نمود که نحوه ارزیابی از حکم قضایی برای زندانیان سارق بر افزایش سرقت توسط آنها تأثیر داشته است.

و- رابطه مشکلات مالی بعد از زندان با تکرار سرقت: انجام آزمون آماری خی دو و فی در زمینه فقر مالی بعد از آزادی از زندان برای سارقان، با میزان سرقت صورت گرفته رابطه معناداری را نشان می‌دهد. به گونه‌ای که در شاخص «چهار بار و بیشتر»، که بیشترین افراد را شامل می‌گردد، ۳۴/۲ درصد عنوان داشته‌اند که بعد از زندان خرجی نداشته‌ام، ۴۷/۴ درصد به بیکار بودن، ۱۹ درصد به درآمد کمتر از هزینه و ۳۵/۸ درصد نیز به برخورد توهین آمیز و آشفتگی روانی اشاره داشته‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر چه بر مشکلات مالی و اقتصادی افراد افزوده می‌شود، زمینه برای گرایش به جرم سرقت مساعدتر می‌گردد.

ز- رابطه برخورد خانواده بعد از آزادی با تکرار سرقت: بررسی نحوه برخورد خانواده بعد از آزادی از زندان به عنوان شاخص نظارتی مجرمان با تکرار سرقت رابطه معناداری را به لحاظ آماری نشان نمی‌دهد. ($S=0/22$) به طوری که ۳۹/۳ درصد و ۴۳ درصد از افرادی که بیشترین سرقت را داشته‌اند، در مقابل ۲۴/۳، ۲۰/۳ و ۱۰/۷ درصد از کسانی که کمترین تکرار سرقت را داشته‌اند، قرار دارند. بنابراین می‌توان گفت بین برخورد یا عدم برخورد افراد خانواده برای کنترل و نظارت بعد از آزادی زندان، با میزان سرقت سارقان رابطه‌ای دیده نمی‌شود.

ح- رابطه سرکشی مأموران بعد از زندان با تکرار سرقت: اطلاعات حاصل از بررسی رابطه دو متغیر نشان دهنده این است که آن دسته از پاسخگویان که بیان داشته‌اند بعد از زندان مورد سرکشی و نظارت مأموران بوده‌اند، نسبت به کسانی که اظهار داشتند بعد از آزادی از زندان، دیگر توجهی به آنها نشده است، تکرار سرقت کمتری داشته‌اند. (۲۳/۸ درصد در مقابل ۵۷/۱ درصد) ($S=0/107$) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت نظارت بر زندانیان

یکی از معیارهای مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

ط- رابطه نحوه سرقت با تکرار سرقت: شیوه انجام سرقت به صورت‌های فردی، دو نفره، گروهی یا هر طوری که باشد، با میزان سرقت پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در شاخص «چهار و بیشتر»، که مؤید تکرار سرقت بیشتر از سوی پاسخگویان است، ۴۵/۸ درصد از افراد، سرقت را به طور انفرادی، ۱۰/۷ درصد از آنها سرقت را به طور گروهی، ۲۴/۴ درصد به شیوه دو نفره و در حدود ۴۳ درصد به شیوه هر طور که سرقت ممکن باشد، انجام داده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر چه پاسخگویان حرفه‌ای‌تر و متخصص‌تر می‌شوند سرقت‌های آنها بیشتر به طور فردی صورت می‌گیرد. ($S=0/006$)

مدل رگرسیونی علل تکرار سرقت بین سارقان سابقه دار

در تحلیل رگرسیونی مشاهده می‌شود، میزان علل سرقت در بین سارقان سابقه دار، با توجه به عوامل مختلف در نظر گرفته شده تحت تاثیر مستقیم چهار متغیر قرار دارد. به گونه‌ای که سن سارقان، تاثیر اعتیاد، تاثیر محل زندگی و تاثیر محیط زندان با توجه به میزان ضرایب آن (به ترتیب ۲۰ درصد، ۱۲ درصد، ۱۹ درصد و ۱۳ درصد) بر تکرار سرقت تاثیر مستقیم دارند. البته با توجه به برخی ضرایب همبستگی دو به دوی متغیرهای دیگر، عدم تأثیر گذاری مستقیم سایر متغیرها از قبیل اختلاف خانوادگی، جداسازی از زندان و تأثیر مالخران به منزله تأثیر نداشتن در تکرار سرقت نیست، بلکه این متغیرها به طور غیر مستقیم بر این فرایند تاثیر می‌گذارند. در مجموع با توجه به متغیرهای مورد بررسی می‌توان بیان نمود که حدود ۳۵ درصد از واریانس تغییرات در تکرار سرقت در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است که درصد قابل ملاحظه و بالایی می‌باشد.

بررسی یافته‌های تحقیق

- ۱- قریب به نیمی از سارقان بین ۱۹-۳۴ سال سن داشته‌اند و این افزایش در گروه مذکور، ناشی از چندین عامل است که از جمله مهم‌ترین این عوامل، عدم اشتغال و سابقه دار بودن آنان می‌باشد.
- ۲- بیشتر سارقان مورد پژوهش در این تحقیق، دارای تحصیلات در مقطع راهنمایی و

دبیرستان بوده‌اند. (۶۲/۵ درصد)

۳- ۶۵/۴ درصد از سارقان جزء کسانی بوده‌اند که ترک تحصیل داشته‌اند.

۴- نزدیک به نیمی از پاسخگویان دارای مشاغل آزاد و یا بیکار بوده‌اند.

۵- حدود ۴۷ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه، رفتار والدین خود را در کودکی سخت گیر و نسبت به آنها بی تفاوت اعلام داشته‌اند.

۶- نزدیک به نیمی از سارقان سابقه دار اعلام داشته‌اند که پدرانشان افراد بی حوصله، لاپالی، شرور و خشمگین بوده‌اند.

۷- ۵۸ درصد از سابقه دارها اعلام کرده‌اند والدین آنها همیشه دارای اختلاف بوده‌اند.

۸- قریب به اتفاق پاسخگویان در محله‌های فقیر نشین و معمولی سکونت داشته‌اند.

۹- ۶۲/۵ درصد از پاسخگویان در محیطی زندگی می‌کردند که امکان خلاف در آنجا مهیا بوده است.

۱۰- بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه پاسخ داده‌اند که محیط زندگی آنها عامل اصلی تکرار سرقت بوده است.

۱۱- ۶۰ درصد از پاسخگویان در محلات خود با افراد خلافکار ارتباط داشته‌اند.

۱۲- بیش از ۷۰ درصد از پاسخگویان دوران شروع خلاف را دوره راهنمایی و دبیرستان ذکر کرده‌اند.

۱۳- نیمی از پاسخگویان در دوره کودکی فرار از منزل را تجربه نموده‌اند.

۱۴- بیش از ۶۲ درصد از سارقان سابقه دار، زندان را در تکرار سرقت عامل اصلی عنوان داشته‌اند.

۱۵- ۶۴ درصد از سارقان سابقه دار به محض آزاد شدن از زندان مرتکب سرقت مجدد شده‌اند.

۱۶- ۶۳ درصد از پاسخگویان علت سرقت بعد از آزادی را بیکاری و مشکل تامین هزینه زندگی اعلام داشته‌اند و تنها ۳۰ درصد تماس با دوستان و تشویق آنان را عامل کشیده شدن به ارتکاب سرقت عنوان کرده‌اند.

۱۷- ۶۶ درصد از زندانیان اظهار داشته‌اند اوقات فراغت خود را در زندان به تبادل نظر با دوستان خود پرداخته‌اند.

۱۸- ۷۳ درصد از زندانیان تاثیر مالخرها را در تکرار سرقت، عامل اصلی دانسته‌اند.

۱۹-۶۳ درصد از پاسخگویان اعلام داشته‌اند که خانواده‌های آنها پس از آزادی، آنان را راهنمایی یا سرزنش نکرده‌اند.

تحلیل و تبیین عوامل تکرار سرقت

همان طوری که در چارچوب نظری تحقیق برای بررسی عوامل موثر بر تکرار سرقت به طور مفصل توضیح داده شد، می‌توان عوامل مختلف را به سه دسته تقسیم نمود: متغیر اول، عوامل و متغیرهایی به نام نشانه‌های بزه در دوران رشد که در واقع عوامل و زمینه‌های فردی به شمار می‌آیند؛ متغیر دوم، محیط زندگی و خانوادگی است که شامل وضعیتی است که فرد در خانواده داشته و نیز محیط اجتماعی که موجب گرایش به جرم بیشتر می‌شود؛ متغیر سوم، متغیرهای نگهدارنده است که در قالب محیط زندان و عوامل نظارتی بعد از زندان برای سارقان سابقه دار بازسازی شده است؛ به عبارتی می‌توان بیان داشت که مدل تلفیقی تبیین تکرار سرقت، با توجه به متغیرهای محیطی، نشانه‌های بزه در دوران رشد و نگهدارندگی در بررسی و مفهوم سازی مجدد برای تکرار سرقت در این تحقیق در سه عامل «زمینه و ویژگی‌های فردی»، «زمینه‌های محیط خانوادگی و زندگی»، تأثیر محیط زندان و نظارت‌های بعدی» خلاصه شده است.

بنابراین، شاخص‌ها و سؤال‌های مربوط به هر یک از آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و رابطه آنها با تکرار سرقت نیز بررسی شد. در زیر به تشریح خلاصه‌ای در این مورد می‌پردازیم:

۱- تأثیر عوامل و زمینه‌های فردی پاسخگویان بر تکرار سرقت:

با مراجعه به مدل تحلیلی تحقیق در می‌یابیم که عواملی چون: شکست تحصیلی و ترک تحصیل، شکست شغلی و بیکار شدن، اعتیاد به موادمخدر، داشتن دوستان و همسالان کجرو و... از نشانه‌هایی است که فرد را در دوران کودکی به سوی جرم هدایت می‌کند. در این تحقیق نیز برای بررسی رابطه این نشانه‌ها از متغیرهایی چون: وضعیت شغلی، تأثیر اعتیاد، محل تولد و سکونت، سن شروع به سرقت افراد، تمایل به سرقت در کودکی و ترک تحصیل استفاده کرده‌ایم. نتایج حاصله در این باره نشانگر آن است که از میان متغیرهای فوق، تنها متغیرهای محل تولد و سکونت بر تکرار سرقت آنها تأثیر نداشته

است و در مقابل سایر متغیرها رابطه معناداری را در این باره نشان می‌دهند؛ به عبارتی می‌توان بیان نمود کسانی که وضعیت شغلی بیکار (۳۸/۱ درصد)، راننده (۴۴/۲ درصد)، اعتیاد (۴۰/۶ درصد) و همچنین در دوران کودکی تمایل بیشتری به سرقت داشته‌اند (۴۶/۷ درصد در مقابل ۳۰/۳ درصد) و از طرفی در حین تحصیل ترک تحصیل نموده‌اند (۳۸/۴ درصد در مقابل ۱۹/۶ درصد) تکرار سرقت بیشتری را اعلام نموده‌اند. بنابراین باید به نقش عامل بیکاری افراد و سهم بسیار مهم آن در گرایش به سرقت و جرم پاسخگویان توجه داشت. البته بعضی از مشاغل در سطح پایین را نیز می‌توان از عوامل مؤثر در گرایش به سرقت به شمار آورد. به طوری که پایین بودن آمار سارقان با شغل کارمندی و مغازه‌داری، مؤید این نکته است. همچنین در میان متغیرهای فوق، سن افراد، عامل بسیار مهمی است. نکته حایز اهمیتی که باید بدان توجه داشت، این است که در میان گروه‌های سنی مختلف، گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال، کمترین تکرار سرقت را نشان می‌دهد و در مقابل، گروه سنی ۲۵ سال و بالاتر بیشترین سرقت را گزارش داده‌اند. این یافته بر ضرورت بررسی و مطالعه بیشتر در این زمینه می‌افزاید که در واقع چرا تعداد سارقان در این گروه یک دفعه پایین می‌آید و بعد از ۲۵ سال به شدت فزونی می‌یابد. در کنار این یافته، سن شروع به سرقت (آن هم با رابطه معناداری که حاکی از این است که بیشتر سارقان سابقه دار، سرقت را از کودکی شروع کرده‌اند) نکته‌ای است که در فرایند جامعه‌پذیری نوجوانان به ویژه از سن ۱۲ تا ۱۸ سال به نحوی باید مورد کنترل و نظارت قرار داد. مؤید این نکته، تمایل به سرقت بیشتری است که در بین سارقان در کودکی دیده می‌شود؛ به عبارتی به طور غیر مستقیم می‌توان بیان نمود که شکست تحصیلی و تمایل به سرقت در کودکی، سن پایین شروع سرقت و اعتیاد به موادمخدر، زمینه‌های فردی سرقت به حساب می‌آیند.

۲- عوامل و زمینه‌های محیطی و زندگی در تکرار سرقت پاسخگویان

اکثر متفکران و نظریه پردازان اجتماعی در بررسی نقش محیط خانوادگی، به جایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده در جامعه، میزان اختلافات و گسیختگی خانواده و کنترل والدین و وضعیت رفتارها و پذیرش هنجارهای اجتماعی در خانواده توجه داشته و برای بررسی تأثیرگذاری محیط اجتماعی، به عناصری چون: محیط بد یا خوب، میزان ارتباط با خلافکاران و گروه‌های کجرو اشاره داشته‌اند. در این پژوهش نیز ما برای بررسی

تأثیر محیط خانوادگی و اجتماعی بر میزان سرقت افراد مورد مطالعه از متغیرهایی چون: داشتن اختلاف خانوادگی، سرقت از منزل، سن جدایی از خانه، فرار از خانه، گسیختگی وضعیت خانوادگی، وضعیت شغلی پدر و مادر، وضعیت محیط زندگی، میزان ارتباط با خلافکاران، وجود خلافکاران به جز سارقان و تأثیر مالخرها بر تکرار سرقت بهره گرفته‌ایم. نتایج به دست آمده در این باره نشانگر آن است که در مجموع متغیرهای فرار از خانه، گسیختگی خانوادگی، محیط نامناسب زندگی و خریداران اموال مسروقه با میزان سرقت آنها رابطه معناداری دارند. به عبارتی کسانی که اظهار داشته‌اند که از خانه فرار نموده‌اند، (۴۰ درصد در مقابل ۳۱/۴ درصد) سرقت بیشتری را انجام داده‌اند. در حقیقت فرار از خانه موجبات عدم نظارت و کنترل از سوی والدین را میسر می‌سازد. به گونه‌ای که افراد می‌توانند به راحتی دست به کارهای خلاف و بزه بزنند. جدایی از خانواده در دوران بزرگسالی و نیز گسیختگی خانوادگی و سست شدن کانون گرم خانواده، الزام به زندگی مشترک را کاهش می‌دهد و آن تعهدی را که موجب می‌شود فرد بتواند به عنوان عضوی از یک خانواده مستحکم در جامعه نقش ایفا نماید، از دست می‌دهد و زمینه‌های گرایش به جرم افزایش می‌یابد (۵۲/۸ درصد در مقابل ۲۶/۳ در شاخص «چهار بار و بیشتر»).

در زمینه وضعیت محیط اجتماعی، وضعیت بد زندگی (۴۱/۲ درصد در مقابل ۲۱/۶ درصد)، داشتن ارتباط با خلافکاران (۴۵/۳ درصد در مقابل ۲۵/۲ درصد)، تأثیر محل زندگی بر سرقت (۴۴ درصد علت اصلی، ۴۰/۳ درصد یکی از عوامل و ۲۷ درصد بی اثر) و تأثیر مالخرها (۳۳ درصد در مقابل ۳۶/۴ درصد) همگی موید این نکته‌اند که وضعیت محیط اجتماعی نسبت به محیط خانوادگی، تأثیر بسیار زیادی بر میزان سرقت افراد دارد. در واقع این یافته نشان می‌دهد که محیط خانوادگی با توجه به کنترل و نظارتی که در آن وجود دارد، همیشه نقش هدایت‌کننده و بازدارنده را در امر سرقت و انجام جرم به مفهوم عام برای اعضای خانواده دارد، ولی در مقابل، جامعه و محیط اجتماعی در بیشتر موارد جرم‌زا هستند.

۳- عوامل و تأثیر محیط زندان و نظارت‌های بعدی با تکرار سرقت پاسخگویان

در متغیرهای فوق عوامل فردی، اجتماعی، خانوادگی و تأثیرگذار بر تکرار سرقت بررسی شد، ولی انتظار می‌رود نظارت‌های محیطی و کنترل رسمی بتوانند تا حدودی تأثیر

این عوامل را کاهش دهند. البته کارکردهای پنهان این محیط در برخی موارد منجر به اثر گذاری منفی این عوامل می‌گردد که دارای مشخصه هایی چون: تأثیر محیط زندان، الگوی اجرای قانون برای مجرمان و میزان کنترل بعد از آزادی از زندان می‌باشد. جهت تبیین عوامل مزبور در این پژوهش از متغیرهایی چون: تأثیر محیط زندان، آثار عدم جداسازی، تأثیر مجازات بر تأدیب، تأثیر مجازات بر سرقت، ارزیابی حکم صادره، مشکلات مالی بعد از زندان، نحوه برخورد خانواده بعد از آزادی، سرکشی مأموران بعد از آزادی از زندان و نحوه سرقت استفاده کرده‌ایم.

بررسی رابطه آماری نشان می‌دهد که از میان عوامل فوق، متغیرهای تأثیر مجازات بر سرقت، ارزیابی حکم صادره و نحوه برخورد خانواده بعد از آزادی تأثیر چندانی بر تکرار سرقت نداشته‌اند؛ به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت در میان کسانی که تکرار سرقت بیشتری را اذعان نموده‌اند، به متخصص‌تر شدن و مجرم‌تر شدن در زندان (۴۶/۸ و ۴۵/۹ درصد) اشاره کرده‌اند. همچنین عدم جداسازی در محیط زندان موجب انتقال تجربه (۴۲ درصد) می‌شود. در بعد نظارت‌های مختلف بعد از زندان، فقر مالی و بیکاری (۳۴/۲ و ۴۷/۴ درصد) و سرکشی مأموران (۵۷/۱ درصد در مقابل ۴۳/۸ درصد) تأثیر بسزایی در تکرار سرقت داشته‌اند.

نتیجه گیری

نتیجه‌گیری نهایی در زمینه متغیرهای متفاوت و مؤثر در زمینه تکرار سرقت، ما را به تدریج به یافته‌های اساسی هدایت می‌کند. در واقع ویژگی‌های فردی، محیط زندگی، اجتماعی و محیط زندان با تکرار سرقت رابطه دارد. به طوری که وجود نشانه‌های بزه در دوران کودکی، شکست تحصیلی و تمایل به سرقت و فرار از خانه، زمینه‌های اولیه گرایش به جرم محسوب شده و در نتیجه آینده تاریک را برای فرد ترسیم می‌کند و به دنبال آن محیط اجتماعی بد و نیز ارتباط با خلافکاران و گروه‌های مجرم به صورت فرصتی تلقی می‌گردند که فرد را تبدیل به سارق می‌نمایند. در واقع با عنایت به تأثیر گذاری بسیار کم خانواده بر تمایل به سرقت، فرد با تأثیر پذیری از محیط از طریق مؤلفه‌هایی چون: وجود خلافکاران و خریداران اموال مسروقه و غیره این زمینه را ایجاد می‌کند. بنابراین متغیرهای نگهدارنده برای کنترل و نظارت رسمی، سعی در بازگرداندن فرد به اجتماع داشته و از طرق

مختلف می‌کوشند زمینه ارتکاب جرم را کاهش دهند. ولی برخی نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که برخی از افراد با ماندن در زندان و تماس با سایر سارقان حرفه‌ای و همچنین عدم مراقبت و نظارت مأموران و عدم جداسازی آنها، موجبات تکرار سرقت و سابقه دار شدن افراد را فراهم می‌سازند و از طرفی فقر شدید مالی، بیکاری و عدم سرکشی به موقع مأموران بعد از آزادی از زندان، بر این تاثیرگذاری می‌افزاید. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که محیط فردی و اجتماعی، بیشترین سهم را در سارق شدن افراد دارد و زندان نیز آنها را تبدیل به سارقان سابقه دار می‌کند.

پیشنادهای کاربردی

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مأموریت و وظایفی که بر اساس قانون بر عهده دارد، در چرخه مبارزه با جرم از جمله در پیشگیری از تکرار سرقت نقش کلیدی دارد. این مسئولیت خطیر در دو حوزه کاری پلیس انتظامی و پلیس آگاهی دنبال می‌گردد. حوزه اول، مأموریت دارد تا براساس نوع و میزان جرم خیزی مناطق، ضمن حضور فیزیکی در آن، محیط را کاملاً تحت نظر داشته باشد که این امر با ارتباط تنگاتنگ نیروی انتظامی با مردم اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

حوزه دوم، با تنظیم اکیپ‌های تخصصی و بررسی چهره‌ها و با استفاده از منابع و مخبران، تأثیرپذیری مجرمان را به حداقل رسانده و قدرت تحرک سارقان را کاهش دهد. پیگیری پرونده‌ها و دستگیری سریع و حساب شده سارقان سابقه‌دار، از توسعه فعالیت مجرمان می‌کاهد.

ارتباط منطقی بین دو حوزه، بر هدفمندی مبارزه افزوده و خلاء تبادل اطلاعات را برطرف خواهد کرد که این اقدام خود نقش تعیین کننده‌ای در پیشگیری از تکرار سرقت دارد. بعلاوه محقق با توجه بررسی‌های انجام شده و اطلاعات به دست آمده بر این باور است که راهکارهای ذیل در روند مبارزه جنبه کاربردی داشته و در مهار و کاهش جرم می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

۱- ایجاد یک سیستم کنترل از طریق نیروی انتظامی برای سارقان پس از آزادی از زندان، که مدت و چگونگی آن به ویژگی‌های فرد و زمان اصلاح وی بستگی دارد.

۲- راه اندازی اردوگاه‌های کار برای سه گروه از مجرمان ذیل:

الف - افراد مبتدی به لحاظ جلوگیری از ورود آنها به زندان؛

ب - افرادی که دارای سابقه بوده اما اثر گذار نیستند؛

ج - کسانی که دارای سوابق متعدد بوده و به سادگی اصلاح پذیر نمی باشند، تا زمان اصلاح ضرورت دارد در اردوگاه‌ها حضور داشته باشند.

نکته مهم اینکه اقدام فوق چندین اثر مثبت به دنبال خواهد داشت :

۱) توسعه صنعت؛

۲) درآمدزایی برای کشور، فرد و خانواده؛

۳) اشتغالزایی؛

۴) تخلیه زندان‌ها، جلوگیری از بدآموزی و ...

۳- نگهداری مجرمان با سوابق متعدد و خطرناک در زندان‌های ویژه؛

۴- لایه بندی زندان از نظر سن، نوع جرم، سابقه، ویژگی‌های فردی، تأثیر پذیری و تأثیر گذاری؛

۵- ایجاد سیستمی که نیروی انتظامی بتواند به اطلاعات لازم در خصوص زندانی‌های کشور جهت کنترل بعد از آزادی آنها، دسترسی داشته باشد؛

۶- شدت عمل در برخورد با مالخران و اساساً سیستم پشتیبان سارقان سابقه دار؛

۷- استفاده از سارقان سابقه دار در جلوگیری از تکرار سرقت افراد سابقه دار؛

۸- ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی قوی و منسجم؛

۹- تسریع در رسیدگی به پرونده سارقان سابقه دار؛

۱۰- ارسال سوابق سارقان از سوی دادگاه‌ها به سیستم تشخیص هویت، الزام قضات و مأموران نسبت به ثبت سوابق افراد در پرونده جدید آنها؛

۱۱- اجرای حدود الهی در مورد سرقت و تکرار آن؛

۱۲- سرمایه گذاری در زمینه کاهش اعتیاد و ایجاد محدودیت برای معتادان، که این موضوع در تکرار سرقت فرد بسیار مؤثر است؛

۱۳- راه اندازی هرچه سریع‌تر سیستم انگشت نگاری در مجموعه نیروی انتظامی و درج سوابق مجرمان در این سیستم؛

۱۴- اقدام فرهنگی و کنترلی برای آن دسته از سارقانی که سرقت و تکرار آن را مایه افتخار دانسته و اصرار زیادی بر ادامه آن دارند؛

- ۱۵- دنبال کردن سیستم کامل چهره نگاری که حاوی چهره واقعی افراد سابقه دار به صورت ترکیب و تجزیه شده می باشد؛
- ۱۶- ایجاد تمرکز در بانک اطلاعات سارقان سابقه دار؛
- ۱۷- نظارت مداوم اداره اماکن نیروی انتظامی بر بنگاه های مشاور املاک و دواير ثبت در خصوص نقل و انتقال و اجاره؛
- ۱۸- تمرکز در اجرای مأموریت ها به منظور برخورد صحیح، منطقی و مؤثر با جرم؛
- ۱۹- هرگاه شخصی به هر جرمی دستگیر می شود، تمام جرایم انجام گرفته مجرم مورد بررسی قرار گیرد؛
- ۲۰- حضور فعال واحدهای گشت انتظامی و تخصصی «آگاهی» براساس نوع و میزان جرم خیزی مناطق؛
- ۲۱- ثبت شگردهای مجرمان سابقه دار و تبادل اطلاعات در این خصوص در سطح کشور به منظور شناسایی و تطبیق مجرمان دستگیر شده با شگردهای ثبت شده؛
- ۲۲- ایجاد زمینه ادامه تحصیل مجرمانی که از استعداد لازم برخوردارند؛
- ۲۳- تغییر محیط زندگی مجرمان پس از آزادی از زندان؛
- ۲۴- اصلاح سیستم اداره زندان؛
- ۲۵- تشویق مأموران انتظامی و آگاهی در قبال دستگیری مجرمان سابقه دار به خصوص در حین ارتکاب سرقت؛
- ۲۶- صدور احکام متناسب با نوع جرم و روحیات فرد؛
- ۲۷- همه زندانیان طویل المدت باید دارای شغل باشند. از آنجایی که انجام کار یکنواخت که ممکن است از طبیعت نسبتاً ساده ای برخوردار باشد، به طور دایم و در طول مدت طولانی منجر به کسالت و خستگی می شود، شغل زندانیان باید در فواصل متعدد تغییر کند. چنین امکاناتی باید در هر مقطع از محکومیت به زندانیان معرفی و شناسانده شوند؛
- ۲۸- حرفه آموزی در دوران نوجوانی، نقش بسزایی در کاهش جرایم میان جوانان دارد؛ وقتی به افرادی که در معرض خطر هستند توجه می کنیم، درمی یابیم که حرفه آموزی در دوران نوجوانی، آنها را مجذوب جامعه می کند. متأسفانه بسیاری از مقامات محلی امکانات موجود در این زمینه را کاهش داده اند؛ درحالی که این امر نیاز به توسعه داشته و باید بر حرفه آموزی در دوران نوجوانی، تمرکز نمود.

۲۹- برای پیشگیری از مفاسد زندان و کانون یا مؤسسات دیگر، دادگاه و یا مقام صلاحیتدار می‌تواند ضمن سپردن طفل به والدین یا سرپرست قانونی و یا خانواده‌ای دیگر، دستور حبس در منزل را صادر و برای نگهداری وی شرایطی را تعیین کند.

۳۰- آشنا کردن مردم با قوانین و مقررات از طریق وسایل ارتباط جمعی؛

۳۱- یکی از رسوم معمول در قوه قضاییه که در بسیاری از موارد، اثر مطلوبی نیز دارد، تقلیل مجازات زندانیانی است که در زندان، رفتار خوبی دارند. این امر باعث می‌شود که بسیاری از زندانیان، بخشی از حقایق زندگی خود در قبل از زندان و در دوران زندان کتمان کنند و یا حتی رفتار و اندیشه خود را به گونه‌ای دیگر نشان دهند. این وضعیت، به ویژه در ایام نزدیک به اعیاد رسمی، که معمولاً به مناسبت آنها به تعدادی از زندانیان، عفو می‌دهند، بیشتر است. لذا به منظور افزایش صحت و دقت جمع آوری اطلاعات، پیشنهاد می‌شود محقق در ایام نزدیک به اعیاد رسمی به ویژه در پایان سال، از جمع آوری اطلاعات مورد نیاز خودداری نموده و به هنگام جمع آوری اطلاعات، ابتدا زندانی را نسبت به هدف کارهایش و عدم تأثیر گذاری روی پرونده قضایی وی، آگاه سازد.

۳۲- خانواده و افراد جامعه سعی کنند با کسی که تازه از زندان آزاد شده، رابطه برقرار کنند چون اگر وی احساس نماید در میان افراد سالم اجتماع جایی ندارد، خطر بازگشت وی به جمع خلافکاران افزایش می‌یابد.

۳۳- فردی که تازه از زندان آزاد شده، ممکن است از نصیحت بیزار باشد و بهتر است با او رابطه عاطفی برقرار کنید و پای در دلدل هایش بنشینید و به وی کمک کنید که برای خودش کار تهیه کند.

۳۴- توجه به تفکیک زندانیان اتفاقی و حرفه‌ای در طبقه بندی زندانیان، که خوشبختانه این امر در دست پیگیری است.

۳۵- ایجاد محرومیت اجتماعی برای برخی از سارقان.

۳۶- تخفیف قایل شدن برای برخی از سارقان در قبال همکاری با پلیس؛ بدین معنا که چنانچه هر سارق چند سارق سابقه دار را با دلیل و مدرک معرفی نماید، از این تخفیف بهره‌مند شود. ►

- ۱- یواندیا، هرناوندو گومر (۱۲۸۰) جرایم شهری، ترجمه فاطمه گیوه چیان، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، جلد اول، تهران.
- ۲- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، چاپ پنجم، تهران.
- ۳- دانش، تاج زمان (۱۳۷۶) مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؟ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، تهران.
- ۴- دانش، تاج زمان (۱۳۷۴) اطفال و جوانان بزهکار، انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، تهران.
- ۵- داوس.دی.ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه نایبی، هوشنگ، نشر نی، چاپ اول، تهران.
- ۶- رحیمی اصفهانی، عباسعلی (۱۳۸۱) مجموعه قانون مجازات اسلامی، انتشارات معاونت پژوهش و تنقیح قوانین و مقررات، چاپ دوم، تهران.
- ۷- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸) آنومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران.
- ۸- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) روش تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، تهران.
- ۹- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۰) آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، چاپ هشتم، تهران.
- ۱۰- ستوده، هدایت‌الله و همکاران (۱۳۷۶) روانشناسی جنایی، انتشارات آوای نور، چاپ اول، تهران.
- ۱۱- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی کجروی، انتشارات حوزه و دانشگاه چاپ اول، تهران.
- ۱۲- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۲) بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات ویستار، چاپ سوم، تهران.
- ۱۳- شیخاوند، داور (۱۳۷۳) آسیب‌شناسی انحرافات، انتشارات نشر مردین، چاپ سوم، گناباد.
- ۱۴- طباطبائی محمد حسین (۱۳۶۶) تفسیر میزان، جلد پنجم، چاپ سوم.
- ۱۵- طبرسی (۱۳۵۰) مجمع البیان، جلد هفتم، انتشارات فراهانی، چاپ اول، تهران.
- ۱۶- طبرسی (۱۳۵۰) مجمع البیان، جلد هشتم، انتشارات فراهانی، چاپ اول.
- ۱۷- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۰) آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات بدر، چاپ اول، تهران.
- ۱۸- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۱) روانشناسی و جامعه‌شناسی جنایی، انتشارات نشر همراه، چاپ دوم، تهران.
- ۱۹- قربان حسینی، علی اصغر (۱۳۷۱) جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرعت، انتشارات جهاد دانشگاهی،

چاپ اول، تهران.

۲۰- کوئن، بروس (۱۳۷۵) *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه توسلی، غلامعباس و فاضل، رضا، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران.

۲۱- کی نیا، مهدی (۱۳۷۳) *مبانی جرم‌شناسی*. انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ چهارم، تهران.

۲۲- کی نیا، مهدی (۱۳۷۶) *روانشناسی جنایی*. جلد دوم، انتشارات رشد، چاپ اول، تهران.

۲۳- گسن، ریموند (۱۳۷۴) *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*، ترجمه کی نیا، مهدی، ناشر، مترجم، چاپ اول.

۲۴- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۲) *حقوق جزای اختصاصی*، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ سوم

۲۵- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه صبوری، منوچهر، نشر نی چاپ دوم

۲۶- لئونارد، بروکوتیز (۱۳۷۲). *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه فرجاد، محمد حسین و محمدی اصل، عباس انتشارات اساطیر، چاپ اول تهران

۲۷- نجفی توانا، علی (۱۳۷۷). *جرم‌شناسی*، انتشارات خیام، چاپ اول

۲۸- نوبهار، رضا (۱۳۷۷). *زمینه جرم‌شناسی*. ناشر کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، تهران

۲۹- نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). *مبانی جامعه‌شناسی*، انتشارات رایزن، چاپ دوم، تهران

۳۰- نوبهار، رضا (۲۵۳۵). *جامعه‌شناسی کیفری*، انتشارات نشر اقبال، چاپ سوم، تهران

۳۱- هاشمیان، کیانوش (۱۳۷۶). *روانشناسی نابهنجار و زندگی نوین*، انتشارات دانشگاه الزهرا چاپ اول، تهران

۳۲- هیل، استفن و همکاران (۱۳۷۲). *فرهنگ جامعه‌شناسی*، ترجمه پویان، حسن، انتشارات اساطیر، چاپ اول

ب- مقالات، پایان نامه‌ها و کارهای تحقیقاتی

۱- آشوری، محمد (۱۳۷۸). *جرم. ماهنامه امنیت* سال دوم، شماره هفتم و هشتم

۲- احمدی حکمتی کار (۱۳۷۸). *بررسی علل و عوامل ساختاری سرقت در بین سارقین عادی استان کرمان*. استانداری کرمان

۳- بیابانی، مرتضی. *جایگزین زندان، مجله اصلاح و تربیت*، شماره ۴۳ سال چهارم

۴- جبلی، خدیجه (۱۳۷۶-۱۳۷۷). *بررسی علل اساسی ارتکاب سرقت*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی ۱۳۷۶-۱۳۷۷

۵- سنی، محمد مهدی (۱۳۵۶). *بررسی سرقت نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت (شعبه تهران)*

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

۶- درویشی، حسینعلی (۱۳۷۷). *اثرات زندان بر روی زندانی. ماهنامه اصلاح و تربیت*. سال چهارم شماره ۴۸

۷- دفتر (۱۳۸۱). *تعاریف کد جرایم*. وقایع مرکز فرماندهی و کنترل ناجا

- ۸- شریفی قادری (۱۳۷۵)، محمد تقی. شناخت وضعیت و مشخصات مجرمین در زندانهای شهر تهران و تعیین عوامل موثر بر ارتکاب جرم. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- ۹- شمس، علی (۱۳۷۷). لزوم نگرش نوین درخصوص روشهای اعمال مجازات حبس. ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۴۲ تیر ماه
- ۱۰- شناسایی عوامل بنیادی در بزه سرقت (۱۳۷۶). کار پژوهش گروه روان‌شناسی و علوم اجتماعی، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال سوم شماره ۲۸ اسفند
- ۱۱- علیوردی نیا، اکبر (۱۳۷۰-۷۶). مطالعه جامعه شناختی میزان سرقت در استانهای کشور. مرکز مطالعات و پژوهشهای ناجا، معاونت پژوهش.
- ۱۲- قربان حسینی، علی اصغر. مروری بر جرم‌شناسی سرقت، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۴۷ سال چهارم.
- ۱۳- قربان حسینی، علی اصغر (۱۳۷۷). احساس امنیت، ماهنامه امنیت، سال دوم، شماره ۴ مرداد
- ۱۴- کاشانی، مهناز (۱۳۷۶). بررسی تاثیر گروه همسالان در مشارکت بر سرقت نوجوانان، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز
- ۱۵- گرجیان، بهمن (۱۳۷۹). مواد مخدر و بزهکاری، خیرگزاری جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۷۹/۱۰/۲۶ شماره ۱۱۵-۲۴۴
- ۱۶- مرادی، شهناز (۱۳۷۲). بررسی علل ارتکاب مجدد سرقت در بین سارقین اصلاح و تربیت، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
- ۱۷- معدنی، حسن (۱۳۵۶). بررسی سرقت نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
- ۱۸- معظمی شهلا (۱۳۷۸). پیشگیری از تکرار جرم. مجله امنیت، سال دوم، شماره هفتم و هشتم دی ماه
- ۱۹- مهابادی، سیامک (۱۳۷۶). علل اجتماعی ارتکاب جرم. مطالعه در زندان مرکزی استان اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز
- ۲۰- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۷۶). سرقت در نظامهای حقوقی ایران و انگلستان، ماهنامه دادرسی، سال اول، شماره ۳ مرداد
- ۲۱- نبوی، سید عبدالحسین (۱۳۷۵). بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی موثر در شیوع جرایم در جامعه شهری اهواز. پایان نامه دوره دکتری، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران